

## مقدمه

آنچه در هر اثر نمایشی قابل اعتناست، کنش و کشمکش است. بدون این عنصر کلیدی، اثر دراماتیک خلق نمی‌شود؛ زیرا نمایش بدون کنش، جذابیتی برای مخاطب ندارد و در واقع این کشمکش است که بازیگر و مخاطب را به ادامه ماجرا ترغیب می‌کند. کنش باید از قبل پیش‌بینی شود و به صورت تصاعدی و تدریجی رشد و نمو کند. حتی اگر کنش فرد با خود باشد یا در حد ضعیف شکل گیرد کشمکش ساکن است و داستان را نمی‌تواند به خوبی به حرکت وادارد و اثر بدون پستی و بلندی و حرکت از قطبی به قطب دیگر می‌شود. اصولاً هر مکالمه دراماتیک دارای سه بخش اصلی است: در بخش اول تز یا فرضیه یا برنهاد مطرح است و در تقابل تز، آنتی‌تز یا برابر نهاد قرار می‌گیرد تا مکالمه دارای کشمکش شود و کنش شکل گیرد و در پایان سنتز یا نتیجه‌ای که حاصل می‌شود

از تقابل تز و آنتی‌تز است.

در این مقاله سعی شده است در دو بخش، ابتدا به انواع کنش در آثار دراماتیک به صورت اجمالی نگاهی شده و سپس به کنش‌های کلامی در نمایشنامه رادیویی پرداخته شود.

کنش و کشمکش نیاز اولیه هر اثر دراماتیک است. البته فرم کشمکش در فیلمنامه، نمایشنامه صحنه‌ای و نمایشنامه رادیویی با یکدیگر متفاوت است.

تأثیر یک فیلمنامه بیش از هر چیز تأثیر بصری است و به قول معروف، اعمال بلندتر از کلمات سخن می‌گویند. پس باید گفت شخصیت‌ها وقتی مجبور باشند، حرف می‌زنند.

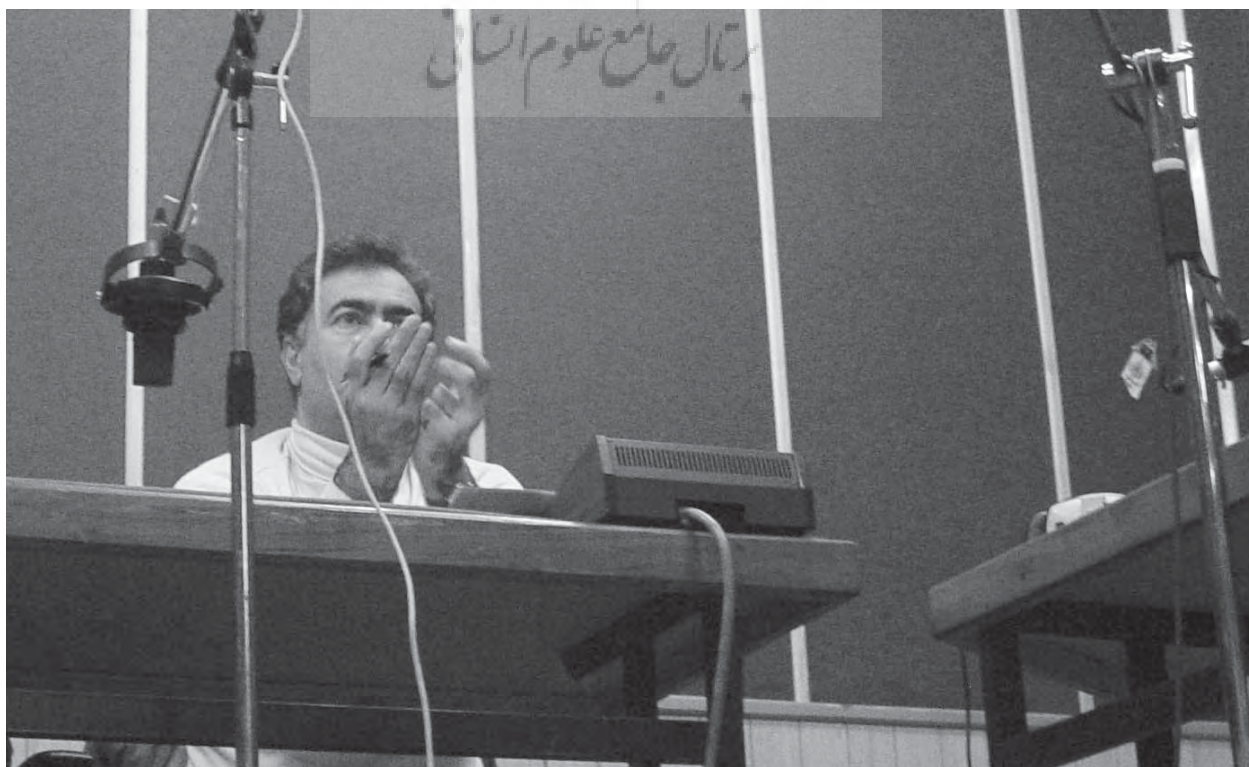
نویسنده فیلمنامه باید با ایجاد ترکیباتی خاص در اشیاء موجود در صحنه و یا از طریق به هم پیوستن رویدادهای مختلف داستانی، شخصیت‌پردازی کند. نمایشنامه‌نویس تئاتر از مکالمه برای

پیشبرد وقایع و نشان دادن زوایای مختلف شخصیت‌ها بهره می‌برد. در واقع در تئاتر، مکالمه یکی از اساسی‌ترین وسیله‌ها برای بسط رویدادهای نمایش، تشریح روحیات شخصیت و خلق فضای مناسب برای القاء فرضیات نویسنده است. البته در کنار اعمال دراماتیک در تئاتر، اعمال فنی نیز به کنش و حرکت کمک می‌کند. در حقیقت اعمال فنی در بافت دراماتیک شبکه روابط اشخاص بازی و گسترش طرح، نقش‌چندانی ندارد و تنها به غنی‌تر کردن جنبه‌های تصویری و نمایش یک اثر کمک می‌کند، ولی به هر صورت در تئاتر اعمال فنی به کمک اعمال دراماتیک می‌آیند. اما در یک نمایش رادیویی با توجه به اینکه کلام حرف اول و آخر را می‌زند و به قول پیتر لوپس «رادیو در مقایسه با دیگر قالب‌های هنری که کلام را به کار می‌گیرند، دنیایی نهفته‌تر، معنوی‌تر و غامض‌تر ارائه می‌دهد» پس کنش‌ها از نوع کلامی شکل می‌گیرند.

# کنش کلامی در نمایشنامه رادیویی

حامد توکل

کارشناس نمایش و تهیه‌کننده رادیو



## هدف در کنش

هدف در طراحی کنش بسیار حائز اهمیت است. از نظر فن نمایشنامه‌نویسی، هیچ شخصی به خودی خود ضعیف یا قوی نیست، ضعف و قدرت او را میزان وابستگی به هدفی معین می‌کند که در پیش دارد. هر قدر هدف جذبه بیشتری داشته باشد، شخص بازی از نظر دراماتیک نیروی بیشتری دارد. کنش‌ها باید پیوسته در خدمت هدف اصلی نمایشنامه باشند و هر کنش در هر صحنه باید مقدمه‌ای جذاب برای ورود به صحنه بعد باشد و پایان هر صحنه تعلیق و کشمکش کافی در مخاطب ایجاد کند.

## کشمکش واقعی

کشمکش واقعی به صورت نامرئی و بسیار پر کشش و هیجان‌انگیز بین نویسنده و مخاطبان درمی‌گیرد؛ یعنی شنونده در مورد نتیجه داستان، پیش‌بینی‌هایی می‌کند و احتمالاتی می‌دهد؛ ولی نویسنده با زبردستی هنرمندانه از کنار این حدسیات می‌گذرد و آنچه خود در ذهن دارد به مخاطب ارائه می‌دهد.

## کنش در صحنه آغازین

صحنه آغازین و نقطه تعریف در نمایش رادیویی بسیار اهمیت دارد. اگر کنش‌های کلامی به مدد افکت و موسیقی نتوانند به خوبی طرح‌ریزی شوند و شروع گیج‌کننده و مبهم و فاقد کشش مناسب باشد، پس شنونده به راحتی پیچ رادیو را خواهد بست و نمایشنامه‌نویس توفیقی نخواهد داشت. پس نویسنده نمایشنامه رادیویی باید کارش را از جایی شروع کند که کنش شکل می‌گیرد.

## کنش و شخصیت

کنش‌های کلامی در نمایشنامه رادیویی باید بین دو یا سه شخصیت اصلی ایجاد شود؛ به‌خاطر محدودیت بصری که شنونده نمی‌تواند شخصیت‌ها را ببیند و مسئله تداوم تشخیص هویت اشخاص بازی. اگر یک شخصیت دو یا سه صحنه نباشد و توسط دیگر بازیگران به او اشاره‌ای نشود، در ذهن شنونده باقی نمی‌ماند. کنش‌های کلامی در نمایشنامه رادیویی باید معرف ویژگی‌های جسمی و برونی بازیگران نیز باشد و با استفاده از مکالمه شخصیت‌ها به

## کنش‌ها باید پیوسته در خدمت

## هدف اصلی نمایشنامه باشند

## و هر کنش در هر صحنه باید

## مقدمه‌ای جذاب برای ورود به

## صحنه بعد باشد و پایان هر

## صحنه تعلیق و کشمکش کافی

## در مخاطب ایجاد کند.

تصویر کشیده شود.

## زمان در کنش کلامی

گرچه کنش‌های موجود در یک نمایشنامه رادیویی به وقایع نمایش شدت می‌بخشند و با ایجاد درگیری عاطفی میزان هیجان در مخاطب را بالا می‌برند، ولی هرگز نباید دامنه کشمکش‌ها را بیش از حد لازم گسترش داد. چون پس از مدت‌زمانی طولانی در حالت غم یا شادی مخاطب خسته می‌شود و دیگر میل به ادامه شنیدن ماجرا ندارد.

در نمایشنامه رادیویی برخلاف نمایشنامه‌های صحنه‌ای ممکن است کنش‌ها در یک صحنه بسیار کوتاه باشند ولی در همین صحنه‌های کوتاه نیز کنش باید به‌خوبی طراحی و اجرا شود.

## کنش و صحنه

در نمایش‌های رادیویی در جاهایی که کنش به شکل طبیعی و ساده از صحنه‌ای به صحنه دیگر ادامه می‌یابد، می‌توان از اتصال یا انتقال مستقیم بهره برد. دیالوگ پایانی باید به گونه‌ای نوشته شود که بتوان به راحتی وارد صحنه بعدی شد. به‌عنوان مثال: «روز شنبه، ساعت ۴ عصر، در ایستگاه قطار می‌بینمت». هنگامی که افکت سوت قطار بلافاصله شنیده می‌شود، شنونده خواه، ناخواه، زمان و مکان صحنه را می‌یابد.

## نقش راوی در کنش

از راوی می‌توان برای توضیح صحنه در مواردی که کنش‌های پیچیده اتفاق می‌افتد استفاده شود. بارها شنیده شده که متأسفانه نویسندگان نوپا نمایشنامه‌های رادیویی از این ظرفیت بسیار و نابجا استفاده کرده‌اند

و صدای راوی صرفاً ناشر اطلاعات است، در صورتی که آن اطلاعات می‌توانستند در قالب کنش نمایشی و به تدریج به شنونده ارائه شوند تا زمان کافی برای ایجاد تصویرسازی و تخیل در ذهن داشته باشند.

## تکرار در کنش کلامی

نکات اصلی و مهم مکالمه باید چندین بار به صورت‌های گوناگون تکرار شوند؛ چون ممکن است برخی از شنوندگان مسئله اصلی را درک نکنند. با توجه به این مورد که مخاطب یک اثر رادیویی مانند مخاطب یک فیلم در محیطی خاص و دور از سروصدا نیست، اهمیت این مسئله را بیشتر نمایان می‌کند.

## نتیجه

درست است که کنش کلامی در نمایشنامه رادیویی اساس است، ولی نباید با پرکلام بودن نمایش و یک‌ریز حرف‌زدن شخصیت‌ها و استفاده نکردن از سکوت اشتباهی صورت گیرد. پس نیاز است نویسندگان محترم نمایشنامه‌های رادیویی به خلق فضاهای دراماتیک که برپایه کلام هستند، پردازند و از به‌کاربردن کنش‌های فیزیکی که نیاز به تشریح دارد و با هیچ نوع افکت نمی‌توان قصد را توصیف کرد اجتناب کنند و چنانکه قصد بازنویسی از نمایش‌های صحنه‌ای را برای رادیو دارند، حتماً به راه‌های انتقال عناصر بصری توجه ویژه‌ای کنند و با ابتکار و خلاقیت به توصیف زمان و مکان صحنه نمایش پردازند. در ضمن نویسنده نمایشنامه رادیویی می‌تواند در هنگام کنش برای جذابیت بیشتر از انواع صداهای گفتاری، طبیعی و الکترونیک نیز استفاده کند.

## منابع

اگری، لاجوس (۱۳۸۳). فن نمایشنامه‌نویسی، ترجمه دکتر مهدی فروغ: نگاه.  
ریچاردز، کیت (۱۳۸۱). نگارش نمایشنامه رادیویی، ترجمه مهدی عبدالله‌زاده: کانون اندیشه.  
مکی، ابراهیم (۱۳۶۶). شناخت عوامل نمایش: سروش.  
مکی، ابراهیم (۱۳۸۰). مقدمه‌ای بر فیلمنامه‌نویسی و کالبدشکافی یک فیلمنامه: سروش.  
بک، آلن (۱۳۸۴). بازیگری در رادیو، ترجمه معصومه امین: اداره کل پژوهش‌های رادیو.